

ریسک نقدینگی و مروری بر روشهای اندازه گیری آن^۱

مفهوم ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی ناشی از ناتوانی یک بانک در پرداخت به موقع بدهی ها، ایفای تعهدات و یا عدم توانایی گسترش سبد داراییهای پر بازده با هزینه ای متعارف می باشد. به عبارت دیگر، هنگامی که یک بانک از نقدینگی کافی برخوردار نباشد قادر نیست به سرعت و با هزینه ای معقول وجوه کافی را با افزایش بدهی ها و یا تبدیل دارایی ها به دست آورد که این ناتوانایی بر سودآوری بانک تاثیر خواهد گذاشت. می توان گفت علت اصلی ریسک نقدینگی در بانکها عدم تطبیق مقدار و سررسید بدهی ها و دارایی ها و در نتیجه بروز شکاف نقدینگی منفی می باشد.

روشهای اندازه گیری ریسک نقدینگی

محاسبه شکاف نقدینگی

محاسبه نسبتهای نقدینگی

محاسبه شکاف نقدینگی

این روش مبتنی بر ساخت جدول طبقه بندی سررسیدی اقلام ترازنامه و محاسبه خالص مازاد یا کسری وجوه (شکاف نقدینگی) در تاریخهای سررسید معین است. این شکاف، به وسیله تحلیل جریان نقدینگی آتی بانک که براساس فرضهای رفتار آتی دارایی ها، بدهی ها و اقلام خارج از ترازنامه (تحت سناریوهای مختلف) پیش بینی شده، محاسبه می شود. چنین تجزیه و تحلیل هایی، فرصت زمانی را برای مدیریت شکاف نقدینگی، قبل از وقوع هر رخدادی، برای دوره های آتی فراهم می آورد. در این ارتباط بانکها می بایست شکاف نقدینگی روزانه را برای یک یا دو هفته بعد، شش ماه بعد و یا برای یک فصل یا یک سال آتی محاسبه کنند. همانطور که اشاره گردید، ساخت جدول شکاف نقدینگی بانک مستلزم تدوین سناریوهای مختلفی است. در هر سناریویی، بانک باید هر نوع جریان مثبت یا منفی نقدینگی را که می تواند رخ دهد، مد نظر قرار دهد. این سناریوها باید هم عوامل داخلی (درون بانکی) و هم عوامل خارجی (بازارهای پولی و بانکی) را در برگیرند. به عبارت دیگر پیش بینی جریانهای نقدینگی در هر بانکی، باید در قالب سه سناریوی زیر طرح ریزی شوند:

سناریوی شرایط نرمال

سناریوی شرایط بحرانی در داخل بانک

سناریوی شرایط بحرانی در بازارهای پولی و بانکی

در پیش بینی جریانهای وجوه، بانکها باید زمان بندی این جریانها را برای هر نوع دارایی و بدهی با بررسی احتمال رخداد هر نوع رفتار جریان و نیز اعمال برخی فروض تحت سناریوهای مورد بررسی، تعیین و مشخص کنند. چنین اقدامات و بررسی هایی درباره زمان بندی و اندازه جریانهای وجوه، به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از ساختار طبقه بندی سررسیدها (تحت سناریوهای ذکر شده) مطرح است. در سناریوی شرایط نرمال و در خصوص جریانهای وجوه، فرض می شود که بسیاری از وامهای در حال سررسید در زمان مقرر بازپرداخت شده و یا سپرده های بانکی به سهولت جایگزین شده و سپرده های قبلی تجدید می شوند. در شرایط بحران داخل بانکی، فرض می شود که بانکها قادر به جایگزین نمودن بیش تر بدهی ها و سپرده ها نیستند. با استخراج جدول شکاف نقدینگی امکان محاسبه ریسک نقدینگی بر مبنای روشهای آماری مرسوم نظیر CFAR (جریانهای وجوه در معرض خطر) فراهم خواهد شد.

محاسبه نسبتهای نقدینگی

بانکها ممکن است از نسبتهای متنوعی برای مدیریت نقدینگی خود بهره بگیرند. نکته قابل توجه آن است که درباره اکثر نسبتها (به جز نسبتهای تعریف شده از سوی کمیته بال) رقم استاندارد وجود نداشته و هر بانکی به تناسب ساختار، ویژگی ها و شرایط اقتصادی پیرامون خود، رقم خاصی را به عنوان نسبت مطلوب در نظر می گیرد. برخی از مهم ترین نسبتها به شرح زیرند:

نسبت تسهیلات به سپرده ها

نسبت تمرکز سپرده (۱۰۰ سپرده گذار عمده)

نسبت سپرده های دیداری به کل سپرده ها

نسبت مجموع سپرده ها به کل بدهی ها

نسبت مصارف به منابع

نسبت مطالبات

نسبت تسهیلات بلندمدت به سپرده های کوتاه مدت

در خصوص نسبتهای اندازه گیری ریسک نقدینگی نکته حائز اهمیت این است که کمیته بال بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۷ که از جمله دلایل بروز آن غفلت بانکهای بحران زده از حفظ نقدینگی مورد نیاز جهت ایفای تعهدات غیر منتظره بود، اقدام به تعریف دو نسبت به شرح زیر جهت تقویت قابلیت برگشت پذیری وضعیت نقدینگی بانک در صورت وقوع شرایط بحرانی و الزام بانکهای کشورهای عضو به محاسبه آنها حداقل به صورت ماهانه و رعایت حد مورد نظر نمود:

نسبت نقدینگی پایدار (LCR)

هدف از این نسبت حصول اطمینان از این امر است که بانک به اندازه کافی به داراییهای نقد شونده با کیفیت دسترسی دارد تا بتواند در شرایط بسیار بحرانی حداکثر تا یک ماه دوام بیاورد. این نسبت برای سال ۲۰۱۵ معادل ۶۰ درصد تعیین گردیده که برای سال ۲۰۱۹ به ۱۰۰ درصد افزایش داده شده است.

در این نسبت دارایی های نقد شونده شامل دارایی های درجه یک (موجود نقد، موجودی نزد بانکها، اوراق منتشره با تضمین بانک مرکزی)، دارایی های درجه دو نوع الف (اوراق منتشره با تضمین سایر بانکها و با رتبه بالا) حداکثر ۴۰ درصد و دارایی های درجه دو نوع ب (اوراق منتشره شرکتها با رتبه اعتباری پایین) حداکثر ۱۵ درصد می باشد.

نسبت خالص تامین مالی با ثبات (NSFR)

این نسبت به جهت افزایش بلندمدت توان انعطاف پذیری بانک ها در نحوه تامین مالی عملیات بانکی با منابع با ثبات تر، محدود نمودن اتکاء بیش از حد بر تامین مالی عمده در شرایط رونق بازار نقدینگی و تشویق به ارزیابی بهتر ریسک نقدینگی کلیه اقلام بالا و زیر خط ترازنامه تعریف شده است.

درمقایسه دو روش اندازه گیری ریسک نقدینگی می بایست توجه داشت، اگرچه تحلیل نسبتهای نقدینگی و روند تغییرات آن ساده تر بوده لیکن در مقایسه با روش تحلیل شکاف نقدینگی، این روش (بجز در مورد دو نسبت تعریف شده کمیته بال) با توجه به در نظر نگرفتن بعد زمان (از حیث چارچوب زمانی نقد شدن داراییها و یا سررسید شدن بدهی ها)، تعهدات زیرخط (از حیث میزان ریسک نقدینگی مترتب)، عدم تفکیک سطح پایدار و ناپایدار سپرده ها با استفاده از تحلیلهای آماری و... به تنهایی ارزیابی دقیقی از وضعیت ریسک نقدینگی بانکها ارایه نخواهد داد.